



دانشگاه باقر العلوم 7

دانشکده: علوم سیاسی، اجتماعی و تاریخ
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته: جامعه شناسی

عنوان

نسبت تمدن اسلامی و مدرنیته در اندیشه امام خمینی علیه السلام

استاد راهنما:

دکتر حمید پارسانیا

استاد مشاور:

دکتر شمس الله مریجی

نگارش:

روح الله نامداری

1390

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

امام خمینی¹

اوکه به ما آموخت:

همه حمدها مال خداست،

اوکه به ما آموخت:

انتظار در مبارزه است.

تقدیر:

حمد و سپاس بی‌پایان پروردگار یکتای جهان را که از روح الهی خود در کالبد خاکی انسان امید و فطرت پاک را به او بخشید.

برخویش فرض می‌دانم که از استادان بزرگوارم: جناب حجت الاسلام دکتر حمید پارسانیا و جناب حجت الاسلام دکتر شمس‌الله مریجی که در مسیر این پژوهش بزرگی خاصی را در حق این حقیر مبذول داشته‌اند، تشکر کنم و سرافرازانه شاگردی این بزرگان را افتخار نمایم.

چکیده

انقلاب اسلامی حرکتی عظیم در زمینه و زمانه تجدد است. امام خمینی¹ هر چند هرگز به صورت منسجم و در یکجا سخن نگفته است، اما راهی را که ایشان در مقابل تمدن غرب گشود، فارغ از جدال با تجدد نبود. مسأله اصلی این تحقیق، کیفیت این راه و نتیجه آن - تمدن اسلامی - است.

برای حصول این فهم، در این پژوهش تلاش شده که عمیق‌ترین معنای تجدد و الزامات آن بررسی شود در این معنا از تجدد، متافیزیک ریشه همه چیز است و غربزدگی در معنای عمیق آن - متافیزیک زدگی - لحاظ شده است. از این رو در آثار مکتوب امام درباره غربزدگی - متافیزیک زدگی تتبع شده است و تذکر امام به باطن فلسفه و عرفان - که به تعبیری همان متافیزیک است - در صورت‌های گوناگون خود توضیح داده شده است و در ادامه به نتایج نظری و عملی این تذکر نظر شد. نتیجه نظری این تذکر، امکان احیای دین و نتایج عملی آن، مواجهه تمدنی امام با غرب است.

از نتایج این پژوهش آن است که امام تمدن به معنای مصطلح در علوم اجتماعی را به رسمیت نمی‌شناسد و ایجاد تمدن اسلامی - در معنای علوم اجتماعی آن - را به رسمیت نمی‌شناسد. تمدن در معنایی که حضرت امام مراد کرده است جز در سایه قیام الله و تحول انسان هرگز صورت نخواهد بست؛ این تمدن اسلامی نه تنها در تقابل با تمدن غرب است بلکه ما را به عالمی فرا می‌خواند که مابین با عالم تجدد است.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، امام خمینی، تمدن غرب، غربزدگی، متافیزیک.

فهرست مطالب

1.....مقدمه: طرح تفصیلی پژوهش.....1

2.....1- بیان مسأله.....2

3.....2- اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق.....3

3.....3- سؤالات تحقیق.....3

4.....4- هدف تحقیق.....4

4.....5- روش تحقیق.....4

4.....6- ادبیات موضوع.....4

9.....7- روش و ابزار گردآوری اطلاعات.....9

9.....8- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....9

10.....9- ساختار پژوهش.....10

Error! Bookmark not defined......فصل دوم: مفاهیم نظری.....

Error! Bookmark not defined......غرب.....

Error! Bookmark not defined......1- غرب در معنای جغرافیائی.....

Error! Bookmark not defined......2- غرب در معنای عرفانی.....

Error! Bookmark not defined......3- غرب در معنای اقتصادی- سیاسی.....

4- غرب در معنای تاریخی - فرهنگی **Error! Bookmark not defined.**

مدرنیته **Error! Bookmark not defined.**

مدرنیته به مثابه نظریه اجتماعی **Error! Bookmark not defined.**

معنای فلسفی مدرنیته: **Error! Bookmark not defined.**

عقل مدرن **Error! Bookmark not defined.**

بوروکراسی **Error! Bookmark not defined.**

حاکمیت بشری **Error! Bookmark not defined.**

عقل عقل **Error! Bookmark not defined.**

تمامیت فلسفه اسلامی **Error! Bookmark not defined.**

تمدن اسلامی **Error! Bookmark not defined.**

معنای تمدن **Error! Bookmark not defined.**

معنای تمدن اسلامی **Error! Bookmark not defined.**

جریان تجددگرایی **Error! Bookmark not defined.**

سنت گرایی اسلامی **Error! Bookmark not defined.**

تجددگرایان اسلامی **Error! Bookmark not defined.**

مکتب تفکیک **Error! Bookmark not defined.**

جریان فلسفه اسلامی **Error! Bookmark not defined.**

فرهنگستان علوم اسلامی **Error! Bookmark not defined.**

Error! Bookmark not defined... فصل سوم: مواجهه فکری امام خمینی *1* با غرب

Error! Bookmark not defined..... مقدمه

Error! Bookmark not defined..... سیر و سیرورت زندگی امام

Error! Bookmark not defined..... فلسفه و عرفان از منظر امام خمینی

Error! Bookmark not defined..... عقل عقل و تحول الهی

Error! Bookmark not defined..... عدالت و ظلم

Error! Bookmark not defined..... حکومت و ولایت فقیه

Error! Bookmark not defined فصل چهارم: مواجهه تمدنی امام خمینی *1* با تمدن غرب

defined.

Error! Bookmark not defined..... اسلام و تجدد

Error! Bookmark not defined..... زبان و امر اجتماعی

Error! Bookmark not defined..... نظام اداری اسلام

Error! Bookmark not defined..... عمل به تکلیف

Error! Bookmark not defined..... اسلام آمریکایی و تحجر

Error! Bookmark not defined..... تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی

Error! فصل پنجم: نسبت تمدن اسلامی و مدرنیته در اندیشه امام خمینی *1*

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. فصل ششم: پیشنهادها و راهکارها

Error! Bookmark not defined..... منابع و مأخذ

مقدمه

طرح تفصیلی پژوهش

1- بیان مسأله

تمدن غرب، تنها تمدنی است که امکان جهانی شدن را یافته است. اما از قِبَل این جهان شمولی، متعرض تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیگر نیز شده است. فرهنگ‌ها و تمدن‌های غیرغربی در نسبت با تمدن غرب وضعیت‌های متفاوت پیدا کرده‌اند برخی با تمدن غرب تعارض ماهوی نداشته‌اند و توانسته‌اند در عالم جدید خود را مستقر کنند، اما برخی دیگر در حوزه‌های متفاوت تعارض با تمدن غرب پیدا کرده‌اند و به انفعال کشیده شدند. از این میان اسلام نیز از تعارض با جهان مدرن فارغ نبوده است. در جهان اسلام واکنش‌های متفاوتی به جهان مدرن صورت گرفته است. برخی جریان‌ها یکسره میان اسلام و تجدد تعارض می‌بینند و تمدن غرب را یک تمدن شیطانی می‌دانند. اما بعضی دیگر غرب را مجموعه‌ای از خوبی‌ها و بدی‌ها می‌دانند که می‌توان خوبی‌های آن را اخذ کنند و از بدی‌های آن نیز پرهیز نمایند. عده‌ای دیگر نیز میان اسلام و تجدد هیچ تعارضی نیافته‌اند.

امام خمینی علیه السلام به عنوان یکی از مؤثرترین شخصیت‌های قرن بیستم در حوزه زیست اجتماعی بشر است. امام در دوران تجدد حرکت اجتماعی خود را شروع کرد، لاجرم نسبت به تجدد نیز دیدگاه خاص خود را دارد. فهم نظر امام در باب تجدد می‌تواند ما را در فهم مبانی حرکت اجتماعی ایشان کمک کند. آیا دیدگاه امام در باب غرب می‌تواند در دسته بندی مذکور قرار می‌گیرد؟ اگر نه، نظر ایشان در مورد تجدد چگونه بوده است؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند ما را به نگاه امام به تمدن اسلامی و نسبت آن با مدرنیته نزدیک کند.

واکنش امام خمینی علیه السلام به جهان مدرن هم به صورت طولی و تفکری بوده است و هم به صورت عرضی و تمدنی. این پژوهش به بررسی ابعاد این مواجهه می پردازد تا از این میان بتواند نظر امام در باب «نسبت تمدن اسلامی و مدرنیته» را روشن کند.

2- اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق

چنانچه پیش از این اشاره رفت امام خمینی 1 به عنوان یکی از مؤثرترین شخصت‌های قرن بیستم در حوزه زیست اجتماعی و سیاسی جهان شناخته شده است. حرکت اجتماعی - سیاسی امام خمینی 1 چالش‌های اساسی را با غرب به وجود آورد. فهم این چالش‌ها و مبانی آنها از آن رو ضرورت دارد که آینده انقلاب و حتی جهان اسلام در گرو تذکر به راهی ست که امام در قبال تجدد و دنیای غرب گشوده است. این تذکر می‌تواند برای جهان اسلام، نقشی هویتی نیز داشته باشد.

از سوی دیگر؛ در بین متفکران دانشگاهی و حوزوی بحث جدی در باب اثبات یا نفی اندیشه اجتماعی در اسلام وجود دارد. برخی با توجه به اقتضائات جهان مدرن مدعی هستند که جهان اسلام نمی‌تواند اندیشه اجتماعی داشته باشد. برخی هم با بحث‌های نظری و مفهومی تلاش می‌کنند نشان دهند در متون دینی، مبانی اندیشه اجتماعی وجود دارد. اندیشه امام خمینی 1 در حوزه اجتماع علاوه بر بحث نظری در باب «اندیشه اجتماعی» به عرصه عمل نیز کشیده شده است و بزرگترین انقلاب قرن بر مبنای همین اندیشه شکل گرفته است. از این رو فهم حرکت اجتماعی امام و نسبت آن با تمدن‌سازی اسلامی اهمیت پیدا می‌کند.

3- سئوالات تحقیق

ما در این پژوهش به دنبال پاسخی مناسب برای سه سؤال ذیل هستیم:

سؤال اصلی: آیا امام خمینی میان تمدن غرب و تمدن اسلامی تضاد قائل بوده است؟

سؤال فرعی: 1- کیفیت مواجهه عملی امام خمینی با مدرنیته چگونه بوده است؟

2- معنا و مبنای تمدن اسلامی در نگاه امام خمینی چگونه است؟

4- هدف تحقیق

هدف ما از این تحقیق، نزدیک شدن به طرح جامع اندیشه امام خمینی و روشن کردن معنا و مبنای تمدن اسلامی براساس اندیشه ایشان است، که در مسیر این پژوهش به فهم «نسبت تمدن اسلامی و مدرنیته در اندیشه امام خمینی» نزدیک شویم.

5- روش تحقیق

روش یک پژوهش بنا به ماهیت موضوع آن تعریف می شود. به عبارت دیگر روش از درون موضوع متولد می شود. لذا با توجه به موضوع مورد بررسی در پژوهش حاضر که جنبه‌ای اکتشافی دارد و یک بررسی نظری و کیفی است از روش تحلیل متن استفاده شده است و از حیث منبع گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز روش اسنادی است.

6- ادبیات موضوع

بررسی ادبیات موضوع این پژوهش گستردگی خاص خود را دارد. زیرا از یکسو بسیاری از آثار در باب اندیشه فلسفی، عرفانی امام خمینی¹ نوشته شده است و از سوی دیگر آثاری در مورد انقلاب اسلامی به نگارش در آمده است.

بنا به ماهیت این پژوهش که قصد دارد نسبت تمدن اسلامی و مدرنیته را در طرح کلی اندیشه امام بدست دهد، بسیاری از این آثار قابل رجوع می باشند. ما در ادامه به بررسی تعدادی از مهمترین آنها می پردازیم:

1- «بنیان مرصوص امام خمینی¹»:

در این کتاب تلاش شده است که بر اساس حکمت صدرائی تبیینی جامع از اندیشه و عمل امام ارائه دهد. از این رو نخست در ذیل عناوینی همچون «سیره عملی و علمی امام خمینی 1» و «مصاف عقل و عشق در شخصیت امام خمینی 1» و «رهرو خستگی ناپذیر وادی عشق 1 و... به شرح اسفار سه گانه از سیر امام دهد و در نهایت جان کلام خود را ذیل عنوان «امام خمینی 1 قهرمان اسفار اربعه» طرح می کند.

طرح اصلی این کتاب، انقلاب اسلامی را مبتنی بر سفر چهارم از اسفار اربعه ترسیم می کند. در این مجموعه مؤلف تلاش دارد تا توضیح دهد که مبنای انقلاب یک مبنای فلسفی است که از حکمت صدرایی سرچشمه می گیرد.

آنچه در این مجموعه پیش فرض است و درباره آن سخنی به میان نیامده است آن است که، به چه دلیلی گفته می شود امام با حکمت صدرائی انقلاب را تأسیس کرد؟ بلکه بیشتر به جای پاسخ به این پرسش، در تبیین و تحلیل انقلاب بر اساس اسفار اربعه کوشش شده است. حال آنکه شواهد بسیاری وجود دارد که حضرت امام معتقد بودند که انقلاب و قیام الله با فلسفه ممکن نیست، که ما این بحث را ذیل عنوان فلسفه و عرفان از منظر حضرت امام توضیح خواهیم داد.

ایران: روح یک جهان بی روح؛ مجموعه گفتگو با میشل فوکو:

این مجموعه شامل 10 گفتگو متفاوت با میشل فوکو فیلسوف و جامعه شناس فرانسوی است که عنوان یکی از گفتگوها ایران: روح یک جهان بی روح است. ایشان پیش از این گفتگو در ایران حضور یافته بود و در تظاهرات های مردمی علیه شاه شرکت کرده بود و حاصل مشاهدات میدانی خود را با عنوان «ایرانی ها چه رؤیایی در سر دارند؟» منتشر کرده بود. نظرات فوکو در غرب مخالفان جدی دارد که وی در پاسخ به همه اعتراضات گفتگو: «ایران، روح یک جهان بی روح» را صورت داده است.

فهم نگاه این نظریه پرداز به انقلاب ایران از دو جهت اهمیت بسیار دارد: 1- وی در نگاه خود به انقلاب اسلامی ظاهراً موضعی همدلانه اتخاذ کرده است. و سعی در فهم ماهیت حرکت مردمی ایرانیان به رهبری امام خمینی 1 دارد. 2- آرای میشل فوکو در میان طرفداران انقلاب اسلامی و انقلابیون مقبول افتاده است. شاید یک وجه این مقبولیت همان تلاش همدلانه است. فوکو در این گفتگو می گوید:

«زمانی فراخواهد رسید که این پدیده که تلاش می کنیم درک اش کنیم و ما را به شدت مجذوب خود کرده است - یعنی خود تجربه ای انقلابی - خاموش خواهد شد. دقیقاً نوری بود که در همه ای این مردم روشن بود و در عین حال همه آنان را در خود غرق کرد، این نور خاموش خواهد شد. آنگاه نیروهای متفاوت سیاسی و جریان های متفاوت سر برخواهد آورد. سازش های صورت خواهد گرفت.»¹

چرا فوکو مجذب انقلاب ایران شد؟ فوکو حتی در مطالعه انقلاب اسلامی هرگز از طرح مطالعاتی خود خارج نشده است و وجه مجذوبی وی نسبت به انقلاب همان وجه ساختارشکنانه انقلاب است. برای او جذاب است که مردمی با مشتهای گره کرده، سلسلهها را که تا دیروز خطر برای آنها بود را پشت سر می گذارند. فوکو از تحلیل حرکت های مردمی، فروپاشی ساختار قدرت مدرن - در معنای نیچه ای - را دست می دهد و معنویتی که او در حرکت های سیاسی مردم می بیند ریشه ای فراتر از حرکت های اجتماعی مردم نمی دارد. وجه ساختارشکنانه انقلاب برای متفکر پست مدرن جذابیتهای پست مدرن است نه نگاهی همدلانه.

3- انقلاب اسلامی و وضع کنونی عالم:

1- افشین جهانپدیده و نیکو سرخوش (مجموعه مصاحبه)، ایران، روح یک جهان بی روح (و نه گفتگوی دیگر)، چاپ اول، تهران: نشر نی، 1379، ص 61.

این کتاب در باب انقلاب اسلامی و نسبت آن با تجدد است. نویسنده تلاش دارد که امکان‌های انقلاب اسلامی را در نسبت با تجدد فهم کند. یکی از موضوعاتی که در سراسر این کتاب مورد بحث قرار گرفته است تا این نسبت بهتر توضیح داده شود، موضوع روشنفکری و روشنفکران و مدخلیت آنها در جریان اجتماعی ایران از قاجاریه تا انقلاب است. مؤلف تلاش کرده است با تذکر به عالم مفاهیم و نظریه‌های علمی و فلسفی به ذات انقلاب نظر کند. وی درباره روشنفکران می‌گوید: «او [آل احمد] دریافته بود که روشنفکران پایشان روی زمین نیست و ریشه در زمین خود و هیچ سرزمینی ندارند و تمام نزاع‌ها بر سر قدرت است و چون نمی‌توانند مؤسس قدرت باشند، دنبال قدرتی می‌گردند که با روشنفکری سنخیت داشته باشد تا خود را در پناه آن قرار دهند.»^۱ پرسشی که در این مورد مطرح است، اینکه اگر روشنفکران در هیچ سرزمینی ریشه ندارند و در جریانهای اجتماعی مردم مدخلیت ندارند، چرا باید در کتابی که بناست در آن امکان‌های انقلاب اسلامی گفته شود، به طور تفصیلی در جاهای مختلف بحث شوند؟ آیا طرح کردن موضوعاتی که در انقلاب مؤثر نبوده‌اند و مردم در جریان انقلاب به آنها التفاتی نداشته‌اند، باعث پوشیده شدن ذات انقلاب نخواهد بود؟ اما نکته دیگر؛ در باب نفی و اثبات انقلاب است: «در انقلاب اسلامی ما، برای همه معلوم بود که حکومت شاه باید برود. در نفی همه متحد بودند. اما با نفی بدون اثبات انقلاب نمی‌توان کرد. اثبات و نفی با هم است.»^۲ اگر صورت اساسی نفی انقلاب، نفی غربزدگی باشد، چنان که دکتر داوری می‌نویسد: «اکنون با انقلاب اسلامی، غربزدگی مورد سؤال قرار گرفته است.»^۳ چرا این نفی و بحث تفصیلی در باب این نفی - در این کتاب - آنچنان به درازا بکشد که بیان صورت اثباتی انقلاب را به حداقل

1- رضا داوری اردکانی، *انقلاب اسلامی و وضع کنون عالم*، چاپ اول، تهران: مهرنیشا، 1387، ص 69.

2- همان، ص 113.

3- همان، ص 71.

برساند؟ نفی غربزدگی توسط رهبر انقلاب نفی اجمالی است و اگر امام در نفی تفصیلی و نقد آن برمی آمد هرگز توفیق انقلاب را نمی یافت.

اگر «ما نمی توانیم از فلسفه رو برگردانیم؛ اما نیاز به فلسفه در صورتی برآورده می شود که از آن توقع بیش از اندازه نداشته باشیم.»^۱ چرا شأن فلسفه در عالمی که انقلاب به آن تعلق دارد را مشخص نکنیم که از التقاط و اختلاط یا پوشیدگی معنای انقلاب جلوگیری کنیم؟

4- زمانی غیر زمانها (امام، شیعه و ایران):

مؤلف در این کتاب پیش از آنکه غرض به فهم انقلاب ایران کرده باشد سعی کرده است که در این کتاب «حادثه را بگوش بنشیند.»^۲ حادثه در مقابل قانون قرار دارد، همچنان که فراروی در مقابل ساختار قرار دارد. به مقایسه بین پیامبر 9 و حضرت علی 7 از نظر نویسنده توجه کنید:

خدا	محمد	علی
غیب	ساختار	فراروی به نهایت
حقیقت	شریعت	طریقت
حقیقت پنهان	علم	راه روشن
هستی	قانون	حادثه

وی با نظر شیخ حیدر آملی که تشیع همان تصوف و عرفان است، موافقت دارد و اصولاً بر پایه همین نظر است که دست به تحلیل انقلاب می زند. شاید از این عبارت برداشت شود که تحلیل نویسنده، یک تحلیل عرفانی از انقلاب است. اما چنانکه کریستیان ژامبه گفته است: «وی سعی دارد آن چیزی را تعمیق بخشد که میشل فوکو پیشگویانه آن را «معنویت سیاسی» نامیده بود.»^۳ این تحلیل بیش از آنکه تحلیل عرفانی از انقلاب باشد توصیف شرایط پست مدرن با

فضای معنوی مناسب با آن است.

5- انقلاب اسلامی و مبنای باز تولید آن:

1- همان، ص 161.

2- لیلی عشقی، زمانی غیر زمانها (امام، شیعه و ایران)، ترجمه احمد نقیب زاده، چاپ اول، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، 1379، ص 21.

3- همان، ص 15.

این کتاب کوشش دارد که انقلاب اسلامی را بر اساس حکمت صدرائی تبیین کند و اصل سخن خود را در فصل «تبیین فلسفی انقلاب اسلامی بر اساس حکمت متعالیه» به تفصیل آورده است.

طرح مؤلف شبیه به همان بیانی است که در کتاب بنیان مرصوص امام خمینی¹ آورده شده است. ایشان در تبیین انقلاب چیزی را اثبات شده گرفته‌اند: «اینکه چرا انقلاب اسلامی رخ داد؟ یک سؤال اساساً فلسفی یا شبه فلسفی است که در پاسخ به آن باید به سازوکارهای علمی و تعیین کننده انقلاب اشاره کرد.»^۱ حال آنکه این پرسش ممکن است یک پرسش اجتماعی یا حتی پرسش سیاسی باشد. نکته مهمتر آنکه در تبیین انقلاب بر اساس حکمت صدرائی نظر خود حضرت امام نادیده گرفته شده است.

7- روش و ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر، فیش برداری می‌باشد با این توضیح که پژوهشگر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مثل کتب، مقالات، رساله‌ها و... اطلاعات لازم را به شیوه فیش برداری جمع آوری می‌کند و آنگاه آنها را مورد استفاده خواهد داد.

8- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

با توجه به روش تحلیل پژوهشگر به مطالعه آثار حضرت امام خمینی¹ می‌پردازد و سئوالات پژوهش را در برابر متن قرار می‌دهد. واضح است که این روش یک روش ذهنی است و بر مبنای بسیاری از گزاره‌های اساسی معرفت شناسی همچون تضاد نداشتن بخشی از معرفت با بخش‌های دیگر استوار است. در این روش پژوهشگر باید مطالعه و تفسیر آثار مربوطه با حداکثر بی‌طرفی، از تحریف متن جلوگیری کند.

1- عماد افروغ، انقلاب اسلامی و مبانی باز تولید آن، چاپ اول، تهران: سوره مهر، 1386، ص 98.

9- ساختار پژوهش

این پژوهش در شش فصل تنظیم شده است:

در فصل اول که به کلیات پژوهش اختصاص دارد، به بیان مسأله پژوهش، ذکر سئوالات اصلی و فرعی، همچنین اهمیت و ضرورت، اهداف، سابقه‌ی پژوهش و روش‌شناسی پژوهش پرداخته شده است.

در فصل دوم مفاهیم نظری تحقیق که عبارت اند از: 1- معنای غرب 2- مدرنیته 3- مقام عقل 4- تمامیت فلسفه اسلامی 5- تمدن اسلامی توضیح داده خواهند شد.

در فصل سوم، تحت عنوان، مواجهه فکری امام با غرب، به بحث درباره ماهیت فلسفه و متافیزیک - که ذات غرب است - و امکان گذر از متافیزیک می‌پردازد و تلاش شده است که نظر امام درباره فلسفه و عرفان و امکان گذر از متافیزیک را با کمک توصیف تحول در جان مردم در پرتو ظهور امام در مقام عقل توضیح داده شود.

در فصل چهارم، سعی شده است تا نحوه مواجهه تمدنی حضرت امام با تمدن غرب را شرح دهیم. در این فصل ذیل عنوان اسلام و تجدد، نسبت اسلام مدرنیته را در اندیشه امام توضیح داده شده است و در باب اینکه امام چه طرحی را جایگزین طرح زندگی مدرن می‌دانست، بحث شده است.

در فصل پنجم، در مورد نسبت تمدن اسلامی و مدرنیته در اندیشه امام، بر مبنای طرح جامع اندیشه ایشان بحث شده است. در این فصل هم معنای تمدن اسلامی که در دوره میانی از منظر امام بحث شده است. و هم امکان و کیفیت ساخت تمدن نوین اسلامی بر اساس اندیشه اسلامی توضیح داده شده است.

در فصل ششم ذیل عنوان «پیشنهاد و راهکارها» سه پیشنهاد نظری در باب فهم انقلاب اسلامی و آثار آن بر مبنای طرح اصلی پژوهش داده شده است.

